



مکت



بی واسطه «با حسین حرف بزن»

مسلمان و غیرمسلمان ندارد. چون امام حسین(ع) متعلق به

قشر و دین و گروه و دسته خاصی نیست و هر کس با هر تفکر و اندیشه‌ای ارادت قلبی خاصی نسبت به ایشان دارد. تا جایی که دوست دارد بی واسطه یک جا بنشیند و با ایشان صحبت و درد دل کند. برنامه «با حسین حرف بزن» که امسال وارد فصل نهم شد، این فضا را در اختیار عاشقان حسینی قرار داده تا هم احساساتشان را نسبت به امامشان مقابل دوربین بیان کنند و هم برایش نامه بنویسند و از ایشان دعوت کنند؛ اما نه از جنس دعوت‌نامه‌های کوفیان. نامه‌هایی که هر سطرش نشان از عشق و ارادات نویسنده به این امام مظلوم دارد. مهم‌تر این‌که در نهایت این نامه‌ها قرار است توسط عوامل برنامه به کربلا سفر کند و به دست صاحب حقیقی اش برسد.

با حسین حرف بزن، حالا تبدیل به یکی از برنامه‌های پرمخاطب و دیدنی شبکه نسیم شده است. برنامه‌ای که در فصل نهم آن هم چهره‌ها حضور دارند و هم خانواده شهدا و هم مردم عادی. نکته جالب واکنش‌هایی است که مهمان‌ها با ورود به استودیوی برنامه دارند و نگاهی کنج‌گاوانه که به اطراف می‌اندازند. دکور برنامه شامل دو خیمه در یک شنزار است و کلاهخود و زره و خنجرهای خونین که تداعی‌کننده خیمه‌های عاشورایی است. مهمان با دیدن این خیمه‌ها و قرار گرفتن در چنین فضایی خودش را در ۱۰ محرم سال ۶۱ هجری قمری در صحرای کربلا تصور می‌کند و انگار صدای شمشیرها و ضجه زنان و بچه‌ها را با گوش دلش می‌شنود و دگرگون می‌شود. در کنار دکور برنامه و سوالاتی که از آنها پرسیده و پاسخ‌هایی که شنیده می‌شود، نکته دیگری هم هست که قلب مخاطبان را به لرزه می‌اندازد. جعبه هدایایی که در کنار مهمان‌ها قرار دارد و شامل تربت امام حسین(ع)، آب متبرک و هدایای دیگری است که هر کدام می‌تواند به تنهایی دل‌ها را بلرزاند. اما در کنار این هدایا ظرف برنج زین تنها یک بیمار سرطانی اشک را از چشمان هر کسی روانه می‌کند. بیماری که هنوز شفا نگرفته ولی چشم امیدش اول به پرکت نام اباعبید... است و بعد به همین دعای مهمان‌ها و مردمی که به تماشای این برنامه می‌نشینند. همین ویژگی‌هاست که این برنامه را از سایر ویژه‌برنامه‌های محرمی متمایز می‌کند و حس و حال عجیبی را به مخاطبان می‌دهد. برنامه با حسین حرف بزن تنها یک برنامه نیست. با ورود به برنامه انگار وارد مجلس عزاداری حسین(ع) می‌شویم و تحت تأثیر ارادت افراد مختلف در هر جایگاهی و با هر شغل و موقعیتی به امام حسین(ع) و خاندانش قرار می‌گیریم. این برنامه در ۴۰ قسمت طراحی شده و هر شب از شبکه نسیم پخش می‌شود.

صدف تهرانی
گروه رسانه

وی در ادامه عنوان می‌کند: معمولاً استودیوهای برنامه‌های تلویزیونی ویژگی‌های خاصی دارند. من هم پیش از این‌که وارد برنامه شوم فکر می‌کردم یک صندلی و یک میز است و یک نفر هم مقابل دوربین می‌نشیند و ما صحبت می‌کند اما با دیدن این صحنه جا خوردم و یاد امام حسین(ع) و عاشورا افتادم. به نظرم دست‌اندرکاران خیلی برای این فضا زحمت کشیدند. وی درباره نامه‌ای که به امام حسین(ع) نوشت و هدایایی که دریافت کرد هم می‌گوید: با دیدن آن فضا و هدایایی که تبریک امام حسین(ع) بود به یاد فرزندم افتادم. آقا محمد حسین در روز شهادت حضرت زهرا(س) به شهادت رسید. در میان برنامه که به من گفتند با امام حسین(ع) حرف بزن، هوش و حواس من پیش پسرم بود و فکر می‌کردم کنار من است. چون خنجر و لباس خونین که در صحنه وجود داشت من را به یاد پسر شهیدم انداخت.

صحنه شهادت پسرم را به یاد آوردم



شهید مجید قربانخانی را در خان طومان حلب سوریه به طرز ناجوانمردانه‌ای به شهادت رساندند و بعد از سال‌ها پیکرش به وطن و نزد مادر و خانواده‌اش بازگشت. مادر این شهید چندی پیش مهمان برنامه با حسین حرف بزن شد و درباره حضورش در این برنامه به جام جم می‌گوید: می‌توانم بگویم با دیدن آن فضا انگار وارد خان طومان شده‌بودم و آن صحنه را به یاد آوردم. از آن شبی که به برنامه رفتم، هنوز صدایم باز نشده و حال غریبی دارم. خیلی تحت تأثیر قرار گرفتم.

وی ادامه می‌دهد: شاید برایتان جالب باشد بدانید من نمی‌دانستم چه هدایایی قرار است از این برنامه بگیرم، اما وقتی از من سؤال کردند چه هدیه‌ای دوست داری، تمام چیزهایی را که در آن صندوق بود، یکی یکی نام بردم و وقتی آن هدایا را گرفتم خیلی خوشحال شدم. از طرفی برای امام حسین(ع) نامه‌ای نوشتم که با همه وجودم این کار را کردم. اما در تمام لحظاتی که در آن برنامه بودم، حضور فرزندم را حس می‌کردم و خیمه‌ها و همه چیزهایی که در آنجا دیدم، من را مدام به یاد آقا مجید می‌انداخت. وی در پایان بسیار تحت تأثیر قرار گرفته و می‌گوید: خیلی دلم می‌خواست لایبی حضرت علی(ع) را و حضرت علی(ع) را ببخوانم، اما خجالت کشیدم. هنوز به یاد آن روزی می‌افتم که در آن برنامه بودم اشک می‌ریزم. چون خیلی وجود آقا مجید را حس کردم.

گذشته این برنامه، بیشتر ستاره‌ها و آدم‌های معروف را دیده‌بودم. اما در این فصل طیف‌های مختلفی از جامعه به عنوان مهمان در برنامه حضور داشتند و این نکته باعث تمایز این فصل از برنامه با سال‌های قبل می‌شد. پورا ابراهیم همچنین درباره حس و حالش از نگارش نامه به امام حسین(ع) در این برنامه بیان می‌کند: به نظرم این نامه به مقصدش رسیده است. چه قرار باشد کسی نامه‌ها را به کربلا ببرد یا نبرد. این برای من اتفاق بسیار جالبی بود.

او درباره خاطراتش که با امام حسین(ع) گره خورده عنوان می‌کند: از کودکی دسته‌جات برای من جالب بود این‌که آدم‌ها در یک تاریخ خاصی مرتب و منظم و در یک صف می‌ایستند و به امام حسین(ع) ادای احترام می‌کنند. خاطرم هست خیلی وقت‌ها در ماه محرم به استان گیلان و رشت می‌رفتم. رفت و آمد دسته‌جات به مساجد و هیات‌های مختلف و آداب و رسومی که برگزار می‌کردند همیشه در ذهن من ماندگار است. یعنی این حرکت دسته‌جمعی و همراهی که با هم داشتند، برایم دوست‌داشتنی و زیبا بود. ضمن این‌که هنوز هم تعزیه و تماشای آن را دوست دارم.

به یاد فرزند شهیدم افتادم



شهید محمدحسین حدادیان را اول اسفند سال ۱۳۹۶ در تهران به شهادت رساندند. جوانی که مدافع حرم بود اما در قلب شهر تهران توسط عده‌ای در اویش به شهادت رسید. ۱۴ روز بعد از شهادت این جوان، رهبر معظم انقلاب به منزل او رفتند و این شهید را نور معنوی یاد کردند. پدر این شهید بزرگوار یکی از افرادی است که مهمان برنامه شد و از تجربه حضورش در فضای استودیوی این برنامه به جام جم می‌گوید: می‌توانم بگویم زمانی که وارد استودیو شدم واقعا غافلگیرکننده بود. چون از این شلوغی و هیاهوی شهر تهران یکباره وارد صحنه‌ای شدم که بخشی از تاریخ را برپایم تداعی کرد. به همین دلیل دقایق ابتدایی نمی‌توانستم صحبت کنم و میهوت آن فضا بودم. خیلی حس عجیبی بود. به همین دلیل دوست دارم شرایط به گونه‌ای باشد که همه در چنین فضاهایی حضور داشته باشند و این حس معنوی را تجربه کنند. یعنی شرایط به گونه‌ای باشد که بتوان چنین فضایی را ایجاد کرد و مردم وارد آن شوند.

که نسیم که مورد توجه مردم قرار گرفته است

حرف بزن

حال عجیبی در برنامه حکمفرما می‌شود که جزو بخش‌های دیدنی برنامه محسوب می‌شود. این برنامه به تهیه‌کنندگی بهراد رحمانی و محمدحسین تقوایی هر شب از شبکه نسیم پخش می‌شود و سه مهمان دارد که یکی از آنها عضو از خانواده شهدا و دیگری یکی از چهره‌های شناخته‌شده در عرصه‌های مختلف و دیگری یکی از مردم عادی است که هر سه در این برنامه ارادت‌شان را به امام حسین(ع) ابراز می‌کنند. «جام جم» با بهراد رحمانی یکی از تهیه‌کنندگان برنامه و تعدادی از مهمانانی که حضور داشتند گفت‌وگو کرده که حاصل آن را در ادامه می‌خوانید.

وی ادامه می‌دهد: فضای استودیو بسیار متناسب با حال و احوال محرم و عاشورای حسینی است. فکر می‌کنم یکی از نکات برجسته‌اش همین دکور و فضاسازی بود که سازندگان این برنامه انجام داده بودند.

وارد بخشی از تاریخ شدم



زینب پورا ابراهیم را بیشتر با اجرای برنامه «به خانه برمی‌گردیم» می‌شناسیم. او از تجربه حضورش در این برنامه به جام جم می‌گوید: چیزی که از همان ابتدا به نظرم جالب و دیدنی آمد، دکور برنامه بود. می‌توانم بگویم با قرار گرفتن در آن فضا انگار از روزمرگی کنده شدم و وارد بخشی از تاریخ شدم که درباره‌اش شنیده‌بودم. به نوعی خودم را در آن فضا و تاریخ حس کردم. به نظرم استودیو و دکور، فضاسازی بسیار خوب و باورپذیر و متفاوتی داشت. وی ادامه می‌دهد: سوالاتی که در این برنامه پرسیده شد به نظرم خوب بود و دوست داشتم. ضمن این‌که وقتی خروجی کار را دیدم، ترکیب مهمان‌ها برایم جذاب بود. در سری‌های

تجربه حضور در یک فضای متفاوت



کیانوش جهانپور، سخنگوی سابق وزارت بهداشت یکی از افرادی است که در برنامه با حسین حرف بزن حضور داشته است. او مقابل دوربین به سؤالات مجری پاسخ داد و بعد با دیدن هدایایی که برایش در نظر گرفته شده بود حس و حال عجیبی را تجربه کرد. او هم مانند سایر مهمان‌های این برنامه از ارادتش به امام حسین(ع) گفت و در انتها نیز نامه‌ای خطاب به ایشان نوشت. وی درباره تجربه حضور در این برنامه تلویزیونی و حس و حال که با دیدن دکور و خیمه‌ها برایش ایجاد شده به جام جم می‌گوید: این برنامه هم به لحاظ دکور و هم به لحاظ محتوا بسیار متفاوت از برنامه‌های دیگر صداوسیماست. به نوعی شاید می‌توان گفت غافلگیرکننده هم بود. آن هم دکور و فضای استودیو که بسیار کار متفاوت و ویژه‌ای است. بنابراین از این نظر فضای بسیار مثبتی بود.

نما



نوجوانان عاشورایی

یکی از نکات جالبی که می‌توان درباره برنامه «با حسین حرف بزن» گفت، مسأله عمومیت مخاطبان این برنامه است. شاید کمتر برنامه‌ای را بتوان یافت که مخاطبان آن از پیر و جوان و بزرگ و کوچک، پای آن بنشینند. حال و هوای نوجوانان در برنامه با حسین حرف بزن تماشایی بود. در یکی از شب‌ها و به بهانه نام‌گذاری آن با نام علی‌اکبر امام حسین(ع) بیشتر مهمانان، نوجوان بودند تا این حال و هوای بهتر به مخاطب منتقل شود.



کیوانگرد را اسکن کنید

مکت

الگوی عاشورا در جنگ تحمیلی

مسأله روحیه ایثار و فداکاری، چیزی است که باید در کلیدواژه‌های مربوط به عاشورا جست‌وجو کرد. اگر قرار باشد چند مفهوم اصلی از این واقعه را بیان کنیم، به طور قطع ایثار یکی از آنهاست. در برنامه «با حسین حرف بزن» هم تلاش شده این مفاهیم به مخاطب منتقل شود و درباره عاشورای زمانه و کربلا بودن همیشگی زمین، حرف بزنند. در یکی از قسمت‌های برنامه با حسین حرف بزن مسأله‌ای مطرح شد که شاید حرف دل خیلی‌ها بود. یکی از مهمانان گفته بود وقتی دهه اول محرم می‌رسد، شب‌های عملیات برای آنها تداعی می‌شود. این مهمان گفته بود که شب عملیات، رزمندگان به تنها چیزی که فکر نمی‌کردند، وضعیت فردی خودشان بود و می‌دانستند که ممکن است جانبازی، اسارت و خیلی چیزهای دیگر برای‌شان رخ دهد. او گفته بود که این مسأله برای مدافعان رزمنده، حل شده بود و با مجروح شدن هم حاضر نمی‌شدند از میدان بیرون بروند. این مهمان گفته بود که الگوی بسیاری از مدافعان و رزمندگان، قیام سیدالشهدا بوده که با همین رویکرد توانستند مقابل دشمن ایستادگی کنند و پیروز شوند.



کیوانگرد را اسکن کنید

درنگ

مادران داغدار نینوایی



هر وقت صحبت از عاشورا و مقاومت و صبر حضرت زینب(س) می‌شود، نام مادران شهدا هم به ذهن متبادر می‌گردد. در برنامه با بسیاری از مادران شهدا صحبت شده تا حال و هوای زینب‌گونه آنها روایت شود. مادر شهید محمدحسین محمدخانی از جمله این مادران بود که روایتی تلخ و دردناک از درک مصیبت حضرت زینب(س) و سیدالشهدا(ع) را بیان کرد. او گفت: وقتی امام حسین(ع) بالای سر علی اکبرشان رسید، گفت انکسر زهری (الآن کمرم شکست) من بعد از شهادت محمدحسین بهتر درک کردم که چطور می‌شود یک پدر کمرش می‌شکند. یکی دیگر از مادران شهدا گفته بود که بعد از شهادت پسرش معنای اریا اریا را فهمیده است. بیشتر روایتی که این مادران شهدا داشتند، مربوط به حال و احوالی بود که از روز عاشورا و دل‌آوری‌های امام حسین(ع) درک کرده بودند؛ دل‌آوری‌هایی که تنها با شهادت پسرشان توانستند آن را با گوشت و پوست‌شان درک کنند.



کیوانگرد را اسکن کنید